

نقد و بررسی کتاب

امنیت انرژی و سیاست خارجی روسیه / اثر آدریان دلیکر و توماس گمارت

دکتر قاسم ترابی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱۳ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۶/۱۲)

مقدمه

بدون تردید طی دهه‌های گذشته انرژی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها کشورها بوده است. اهمیت انرژی در عرصه بین‌المللی بدان حد است که برخی از کارشناسان موضوع انرژی را پس از امنیت و اقتصاد به عنوان حوزه سوم روابط بین‌الملل شناسایی کرده‌اند. همچنین مسئله تامین انرژی و انتقال آن از کشورهای دارنده به کشورهای که نیازمند آن هستند، تاکنون زمینه‌ساز بروز جنگ‌ها، کودتاها، انقلابات و سایر تحولات سیاسی بین‌المللی شده است. این امر نشان می‌دهد تا چه میزان بین حوزه انرژی با حوزه سیاست، امنیت و اقتصاد رابطه تنگاتنگی وجود دارد. در نتیجه این امر، کارشناسان سیاسی و بین‌المللی بیشتری به موضوع انرژی علاقه‌مند شده‌اند و نوشتن کتاب‌های علمی و تحلیل در این زمینه به نسبت گذشته رونق بیشتری گرفته است.

در این راستا، کتاب امنیت انرژی و سیاست خارجی روسیه اثر آدریان دلیکر و توماس گومارت یکی از بهترین کتاب‌هایی است که در ارتباط با موضوع انرژی و تاثیر آن بر موضوعات بین‌المللی و با نگاهی سیاسی و امنیتی و با دیدی بین‌المللی در مورد یکی از بزرگترین دارندگان انرژی و بزرگترین صادرکننده

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، گروه روابط بین‌الملل، همدان، ایران.

انرژی جهان نوشته شده است. انتخاب روسیه به عنوان کشور هدف در این کتاب دلایل متعددی داشته است. روسیه با عنایت به ذخایر نفت و گاز فراوان، توان صادراتی بالا، موقعیت ژئوپلیتیکی عالی و به خصوص نزدیکی به بزرگترین بازارهای مصرف جهان از جمله چین و اتحادیه اروپا و جایگاه بین‌المللی، بدون تردید یکی از مهم‌ترین بازیگران در حوزه انرژی و همچنین سیاست جهان محسوب می‌شود. همان‌گونه که اطلاعات جدول زیر نشان می‌دهد، روسیه با داشتن ۷۴ میلیارد ذخیره نفت اثبات شده در جایگاه هفتم جهان قرار گرفته است. روسیه همچنین با داشتن چیزی در حدود ۱۵۸۰.۸ میلیارد فوت مکعب یا ۴۴.۸ میلیارد متر مکعب گاز رتبه اول جهان را از این حیث در دست دارد.

میزان ذخیره نفت کشورهای جهان (میلیارد بشکه)

رتبه در جهان	کشور	میزان ذخیره نفت
۱	عربستان	۲۶۶
۲	ونزوئلا	۱۷۲
۳	ایران	۱۳۷
۴	عراق	۱۱۵
۵	کویت	۱۰۱
۶	امارات	۹۷
۷	روسیه	۷۴
۸	لیبی	۴۴
۹	نیجریه	۳۷
۱۰	کانادا	۳۳
۱۱	آمریکا	۳۰

SOURCE: BP. Statistical Review of world Energy, 2011

برتری دیگر روسیه در زمینه انرژی، توان بالای صادراتی این کشور است. همان‌گونه که اطلاعات جدول زیر نشان می‌دهد، علی‌رغم جایگاه هفتم روسیه در زمینه داشتن ذخایر نفت جهان، این کشور از حیث صادرات در جایگاه اول جهان قرار دارد. در طول سال ۲۰۱۱ روسیه روزانه چیزی در حدود ۱۰

میلیون بشکه نفت صادر کرده است و توانسته تا کشورهای بزرگی چون عربستان را جا بگذارد و خود را به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت جهان معرفی کند. علت این موضوع به دلایلی همچون سیاست مقامات کرمیلین برای تولید بیشتر نفت و استفاده از درآمدهای نفتی برای رشد اقتصادی، توان امکاناتی و تکنولوژیکی روسیه در زمینه استخراج و صادرات و نزدیکی به بازارهای بزرگ مصرف همچون کشورهای اروپایی و چین است. در زمینه گاز نیز روسیه بزرگترین صادرکننده گاز جهان است و بیشترین ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد.

تولید نفت کشورهای جهان (میلیون بشکه)

رتبه در جهان	کشور	تولید نفت
۱	روسیه	۱۰.۲
۲	عربستان	۱۰.۰
۳	آمریکا	۷.۵
۴	ایران	۴.۲
۵	چین	۴.۰
۶	کانادا	۳.۳
۷	مکزیک	۲.۹
۸	کویت	۲.۵
۹	ونزوئلا	۲.۴
۱۰	نروژ	۲.۱

SOURCE: BP. Statistical Review of world Energy, 2011

این‌ها مهم‌ترین دلایلی هستند که ویراستاران کتاب برای انتخاب موضوع به آن‌ها اشاره نموده‌اند و با عنایت به این دلایل، مهم‌ترین هدف خود را شناسایی رابطه بین سیاست خارجی و موضوع امنیت انرژی در روسیه و منطقه آسیای میانه و قفقاز معرفی کرده‌اند. به باور آن‌ها، بررسی این موضوع حیاتی یعنی رابطه بین سیاست خارجی روسیه و امنیت انرژی، آن‌هم در منطقه حیاتی آسیای میانه و قفقاز که

در حد وسط چین و اتحادیه اروپا به عنوان دو بازار اصلی مصرف نفت و همچنین خاورمیانه به عنوان بزرگترین منطقه تولید نفت جهان قرار گرفته است، اهمیت و برجستگی موضوع کتاب را نشان می‌دهد. ویراستاران کتاب برای بررسی این موضوعات مهم، کتاب را به سه بخش اصلی و ۱۱ فصل تقسیم کرده‌اند که در ادامه به شکل خلاصه مطالب مهم هر بخش ارائه می‌گردند.

بخش اول: رابطه انرژی با سیاست داخلی و خارجی

بخش اول کتاب شامل چهار فصل است. در فصل اول بیشتر در مورد مفهوم امنیت انرژی بحث شده است. به هر حال یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده در تیترو و سرتاسر کتاب، مفهوم امنیت انرژی است. در نتیجه منطقی است که مفهوم آن برای خواننده مشخص شود. نویسنده در این فصل به شکل دقیق مفهوم امنیت انرژی را برای کشورهای تولیدکننده و واردکننده انرژی مشخص نموده است. برای شورهای هم‌چون روسیه که از تولیدکنندگان انرژی هستند، مفهوم امنیت انرژی به امنیت تقاضا بستگی دارد. چین شورهای برای تامین امنیت انرژی خود به دنبال بازارهای متنوع و گسترده و تضمین تقاضا در بلندمدت هستند. در مقابل کشورهای هم‌چون چین و اتحادیه اروپا امنیت انرژی را در امنیت عرضه و راه‌ها و لوله‌های انتقال‌دهنده انرژی می‌دانند.

در فصل دوم به تلاش روسیه برای استفاده از وابستگی کشورهای اروپایی به انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی پرداخته شده است. نویسنده در این فصل تلاش داشته تا نشان دهد چگونه روسیه نفت را به عنوان یک ابزار سیاسی نگاه می‌کند و چگونه کشورهای اروپایی از طریق سرمایه‌گذاری در سایر کشورهای حوزه دریایی خزر به دنبال شکستن انحصار روسیه هستند. برای بررسی این موضوع، توان و ظرفیت تولید و امکان انتقال نفت و گاز کشورهای تازه استقلال‌یافته به شورهای اروپایی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده به مشکلات عمومی این کشورها از جمله ریسک‌های بالایی اقتصادی و سیاسی، ساختارها و نهادهای سیاسی و اقتصادی ضعیف و فساد گسترده اشاره نموده است. این‌ها مشکلاتی هستند که مانع سرمایه‌گذاری کشورهای اروپایی در نفت و گاز کشورهای آسیای میانه و قفقاز شده‌اند.

موضوع فصل سوم تلاش روسیه برای حفظ انحصار بر لوله‌های انتقال انرژی از کشورهای تازه

استقلال یافته به اروپا است. نویسنده اشاره می‌کند، روس‌ها برای ساخت این لوله‌ها و مسیرهای انتقال دهنده انرژی صرفاً دیدی سیاسی دارند. آنها خواهان افزایش و تثبیت موقعیت خود به عنوان بزرگترین صادرکننده انرژی به کشورهای اروپایی هستند تا از آن به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده کنند. با این حال نویسنده در این فصل به پیش‌نیازها و سایر عوامل اقتصادی، مالی، توپوگرافی که ۱۱ مورد هستند پرداخته تا نشان دهد که نگاه به ساخت لوله‌های انتقال دهنده انرژی از آسیای میانه و قفقاز و سایر کشورهای تازه استقلال یافته چقدر ناقص است.

در فصل چهارم به بررسی پیامدهای بحران انرژی ناشی از اختلاف پیش آمده بین روسیه و اوکراین توجه شده است. نویسنده ضمن بررسی دقیق این رویداد، نشان می‌دهد که بحران حادث شده برای روسیه به عنوان بزرگترین صادرکننده گاز به اروپا و همچنین کشورهای اروپایی درس‌های فراوانی داشت. روس‌ها بیش از گذشته مسئله و اهمیت امنیت تقاضا و راه‌های انتقال انرژی را دریافتند و از آن زمان به بعد به دنبال ایجاد مسیرهای جدیدی افتادند. در مقابل کشورهای اروپایی درک نمودند که تا چه میزان وابستگی به روسیه برای تامین انرژی می‌تواند خطرناک باشند. کشورهای اروپایی به دنبال این رویداد به دنبال احداث خطوط و مسیرهای جدید آن هم از کشورهایی به غیر از روسیه افتادند تا به شکل همزمان از وابستگی خود به خطوط انتقال انرژی روسیه از اوکراین و همچنین میزان وابستگی به روسیه بکاهند.

بخش دوم: روابط در حوزه های انرژی و خارجی روسیه با کشورهای تازه استقلال یافته صادرکننده انرژی

بخش دوم نیز مشتمل بر ۴ فصل است که در آن روابط سیاسی و روابط در حوزه انرژی بین روسیه با سایر کشورهای تازه استقلال یافته مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش تلاش شده تا حوزه‌های همکاری و رقابت این کشورها در حوزه‌های سیاسی و انرژی به خوبی مورد بررسی قرار گیرند. در فصل اول از این بخش به روابط سیاسی و حوزه انرژی بین روسیه و ترکمنستان به عنوان منزوی‌ترین کشور آسیای میانه پرداخته شده است. محور بحث آن است که روسیه برای تامین گاز مناطق جنوبی خود به گاز ترکمنستان نیاز دارد و تلاش می‌کند که انحصار خود را بر منابع گاز این کشور

حفظ کند. مهم‌ترین رقیب روسیه در این زمینه چین محسوب می‌شود که به دنبال تامین گاز خود از طریق کشورهای آسیای میانه است.

در فصل دوم به روابط در حوزه انرژی و سیاسی بین قزاقستان به عنوان مهم‌ترین کشور آسیای میانه و قفقاز و روسیه پرداخته شده است. قزاقستان به عنوان کشوری که روسیه تبارهای فراوانی دارد با روسیه روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی فراوانی دارد. این روابط به حدی گسترده است که توازن بخش روابط روسیه با چین و کشورهای اروپایی است. البته نگرانی کنونی روسیه ناشی از روابط رو به گسترش قزاقستان و چین است. روس‌ها نگران آن هستند که چینی‌ها با گسترش روابط در زمینه انرژی با قزاقستان از نظر سیاسی، اقتصادی و امنیتی این کشور را از روسیه دور سازند. در نتیجه این امر هم‌اکنون رقابت سختی بین روسیه و چین در قزاقستان وجود دارد.

فصل بعدی در مورد روابط روسیه با ازبکستان می‌باشد که در میان کشورهای آسیای میانه کمتر شناخته شده است، با این حال یکی از مهم‌ترین قطعه‌های پازل انرژی در آن منطقه به حساب می‌آید. جایگاه ازبکستان ناشی از توانایی صادراتی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی می‌باشد که یکی از کشورهای محل عبور لوله‌های نفت و گاز است. ازبکستان در قلب آسیای میانه و محصور در خشکی است و ارتباط کشورهای آن منطقه از طریق این کشور امکان‌پذیر است.

در نهایت در فصل آخر از این بخش به روابط پیچیده و همراه با رقابت و همکاری روسیه با آذربایجان پرداخته شده است. اولین موضوع مهم در مورد آذربایجان موقعیت حساس و ژئوپلیتیک این کشور برای روسیه، اروپا و ایران است. آذربایجان به شکلی محل تلاقی بین ایران، روسیه و کشورهای اروپایی است. کشورهای اروپایی آذربایجان را به عنوان محلی برای ورود به منطقه نفت‌خیز خزر و مفری برای دور زدن روسیه می‌دانند. به باور کشورهای اروپایی، موقعیت جغرافیایی آذربایجان و منابع غنی نفتی این کشور به شکلی است که می‌تواند مسیری جدید برای کاهش وابستگی به روسیه باشد. ضمن اینکه روابط نزدیک دولت آذربایجان با غرب به عملی شدن این موضوع کمک نموده است. روس‌ها نیز علی‌رغم ناراحتی از سیاست کنونی آذربایجان، به شکلی این کشور را دروازه ورود به ایران و عاملی برای تاثیر گذاری بر سایر کشورهای قفقاز می‌دانند.

بخش سوم: سیاست صادراتی روسیه و روابط با کشورهای محل عبور

یکی دیگر از مهم‌ترین حوزه‌های مرتبط با بحث انرژی و حوزه‌های نگران‌کننده برای کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده، راه‌ها و مسیرهای انتقال لوله‌های نفت و گاز است. اهمیت این موضوع به حدی است که مسئله امنیت انرژی و سیاست‌های صادراتی و وارداتی از آن تاثیر می‌پذیرند. لذا در این بخش نویسندگان طی ۳ فصل به بررسی این موضوع و سیاست‌های صادراتی روسیه پرداخته‌اند تا به شکلی تکمیل‌کننده مباحث بخش‌های قبلی باشند. در فصل اول از این بخش، نویسنده به این موضوع اشاره نموده که روسیه خود یکی از بزرگترین کشورهای محل عبور خطوط لوله‌های نفت و گاز است. اصولاً سیاست روسیه آنست که تمامی خطوط لوله‌های نفت و گاز منطقه از این کشور عبور کنند تا روسیه انحصار انتقال انرژی به کشورهای اروپایی را در دست داشته باشد. در این زمینه شرکت بزرگ گازپروم روسیه به عنوان مهم‌ترین ابزار به حساب می‌آید. البته نویسنده برخلاف تصور کنونی در بین کارشناسان که منافع این شرکت و روسیه را یکپارچه در نظر می‌گیرند، به تفاوت‌های منافع این دو اشاره می‌کند. وی بیان می‌دارد هدف اصلی گازپروم کسب منافع مالی است، در مقابل روس‌ها بیشتر به دنبال منافع سیاسی هستند. اما همین اهداف متفاوت زمینه را برای همکاری نزدیک این دو مهیا نموده است.

در فصل دوم از این بخش به بررسی پیامدهای ناشی از جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ و بحران انرژی بین روسیه و اوکراین در سال ۲۰۰۹ پرداخته شده است. به باور نویسنده، مهم‌ترین درس‌ها و پیامدهای این دو بحران برای کشورهای اروپایی بود. کشورهای اروپایی در نتیجه این بحران متوجه شدند که وابستگی به روسیه تا چه میزان امنیت عرضه انرژی آن را آسیب‌پذیر نموده است. در نتیجه آنها به فکر عملی کردن راه‌های جایگزین افتادند. از جمله روی آوردن به آذربایجان برای تامین گاز و محل عبور لوله‌های جدید یکی از اقدامات کشورهای اروپایی در واکنش به بحران جنگ روسیه و گرجستان و بحران انرژی بین روسیه و اوکراین است. آنها همچنین «شرکت توسعه کاسپین»^۱ را ایجاد کردند تا از طریق همکاری با آذربایجان و سایر کشورهای حاشیه دریایی خزر زمینه اکتشافات نفتی و گازی جدید و همچنین توافق برای ایجاد لوله‌ها و مسیرهای جایگزین را مهیا سازند. بر اساس این، بحران جنگ بین گرجستان و روسیه و همچنین بحران بین روسیه و اوکراین تاثیرات فراوانی بر سیاست‌های انرژی

^۱. Caspian Development Corporation

کشورهای اروپایی داشته است.

در فصل آخر از این بخش به روابط متفاوت بلاروس و روسیه توجه شده است. روابط روسیه و بلاروس از این جهت متفاوت است که مقامات بلاروس از موقعیت ژئوپلیتیکی خود که مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا است، همچون سایر کشورها از جمله اکراین برای فشار بر روسیه استفاده نکرده‌اند. مقامات بلاروس همچنان اولویت خود را بر روابط بر کرملین قرار داده‌اند و از هرگونه اقدامی که باعث تیرگی روابط با روسیه می‌شود خودداری می‌کنند. انزوای سیاسی و اقتصادی و وضعیت نه چندان مناسب سیاسی بلاروس باعث شده تا این کشور همچنان اولویت را بر روابط با روسیه قرار دهد. همچنین رهبران این کشور برای حفظ موقعیت خود در قدرت و دوری از انزوای ایجاد شده چاره‌ای جز روابط نزدیک با روسیه ندارند. البته این بدان معنا نیست که روابط بلاروس و روسیه در زمینه انرژی بدون بحران بوده است، با این حال همیشه ملاحظات سیاسی و وفاداری به روسیه در اولویت مقامات بلاروس قرار داشته است.

جمع بندی و نقد کتاب

موضوع انرژی طی چند دهه گذشته اهمیت فزاینده‌ای یافته است. امروزه علاوه بر موضوع تولید و انتقال انرژی و یا به تعبیری امنیت انرژی، موضوعات مهم دیگری همچون پاک بودن و متغیرهایی چون آلودگی‌های زیست محیطی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. در نتیجه این امر، برخی بین حوزه انرژی و محیط زیست ارتباط برقرار می‌کنند و از این دو به عنوان موضوع سوم روابط بین‌الملل و به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی یاد می‌کنند. (۲) در نتیجه این تحولات، هر روز علاقه بیشتری بین کارشناسان حوزه سیاسی، بین‌المللی و حتی مطالعات امنیتی برای توجه بیشتر به حوزه انرژی مشاهده می‌شود. کتاب حاضر نیز با درک چنین تحولات و موضوعاتی در پی روشن نمودن بحث به خصوص در زمینه امنیت انرژی و رابطه تنگاتنگ بین سیاست و انرژی در ارتباط با یکی از بزرگترین بازیگران در حوزه انرژی است.

این کتاب با بررسی دقیق و علمی مفهوم امنیت انرژی و سیاست‌های روسیه درک عمیقی را به خواننده در مورد مسائل مرتبط داده است. خواننده با مطالعه این کتاب اطلاعات و تحلیل‌های علمی

گسترده‌ای را در مورد مفاهیمی همچون امنیت انرژی، امنیت تقاضا، امنیت عرضه و از آن مهم‌تر رقابت‌های سیاسی و اقتصادی موجود در آسیای میانه و قفقاز بین صادرکننده‌گان و واردکننده‌گان انرژی با محوریت روسیه و بازیگری چین و اتحادیه اروپا به دست می‌آورد. ساختار و سلسله‌مراتب کتاب و همچنین نویسندگان فصول مختلف به شکلی انتخاب شده‌اند که در کمترین میزان صفحات بیشترین میزان اطلاعات و تحلیل‌ها به خواننده آن هم به شکل منسجم و علمی انتقال داده شود. اصولاً یکی از مزایای کتاب‌های این چینی که توسط افراد متعددی نوشته می‌شوند، ارائه تحلیل‌های متفاوت از زاویه‌های مختلف است که به خواننده قدرت درک بهتر و عمیق‌تر را می‌دهد.

علی‌رغم این نکات مثبت، مواردی در کتاب مشاهده می‌شود که یا کمتر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است یا اصولاً عنایتی به آن‌ها نشده است. اول اینکه بررسی رابطه بین سیاست خارجی و امنیت انرژی روسیه در میان کشورهای تازه استقلال‌یافته و در چارچوب رقابت و همکاری با چین و اتحادیه اروپا بدون دیدن نقش آمریکا با کاستی‌هایی مواجه است. هر چند آمریکا برخلاف چین و کشورهای اروپایی واردات چندانی از این منطقه ندارد، با این حال عدم توجه به نقش این کشور، تحلیل‌ها را با کاستی‌هایی مواجه نموده است. این در شرایطی است که طی دو دهه گذشته آمریکا رقابت نزدیک و تنگاتنگی با روسیه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در آسیای میانه و قفقاز داشته است. تلاش آمریکا برای ورود مستقیم نظامی به کشورهای این منطقه، روابط رو به گسترش ناتو با محوریت آمریکا با کشورهای آسیای میانه و قفقاز و بروز انقلاب‌های رنگی و حتی ورود آمریکا به افغانستان، نشانگر عمق رقابت بین آمریکا و روسیه است. (۳)

همچنین یکی از سیاست‌های رسمی ایالات متحده آمریکا تلاش برای همکاری نزدیک در زمینه انرژی با کشورهای نفت‌خیز حاشیه دریای خزر تحت تاثیر «سیاست متنوع‌سازی»^۱ منابع سوخت وارداتی است. (۴) همکاری‌های نزدیک آمریکا، ترکیه و آذربایجان در مقابل محور روسیه و ایران نشان‌گر این موضوع است. افزون بر این، آمریکا نقش مهمی در سیاست انتقال انرژی کشورهای این منطقه به اروپا و لوله‌سازی داشته است و تاکنون با اعمال سیاست‌هایی مانع نهایی‌شدن یا تغییر مسیر چند خط لوله مهم شده است. این کشور به شدت در ایجاد و طراحی خطوط لوله‌های جدید برای انتقال نفت و گاز در

^۱ . Diversification Strategy

منطقه آسیای میانه و قفقاز نقش داشته و تاثیرگذاری بر این موضوع را جزو منافع ملی خود ارزیابی نموده است. (۵) با وجود این نویسندگان کتاب توجهی به رقابت‌های گسترده آمریکا و روسیه نکرده‌اند و تنها به نقش چین و اتحادیه اروپا اکتفا نموده‌اند.

همچنین می‌توان با نادیده گرفتن نقش ایران به عنوان کشوری که در حاشیه جنوبی این منطقه قرار گرفته و خود یکی از بزرگترین کشورهای دارنده نفت و گاز جهان است اشاره نمود. ایران تقریباً با بخش مهمی از این کشورها مرز مشترک دارد و حاشیه جنوبی دریای خزر در اختیار آنست. همچنین ایران خود از منظر اقتصادی و موقعیت جغرافیایی یکی از بهترین گزینه‌ها برای انتقال نفت و گاز این منطقه به کشورهای اروپایی از طریق لوله و از طریق خلیج فارس و دریای عمان است. (۶) از نظر کشورهای اروپایی علی‌رغم تنش‌های موجود بین ایران و غرب و روابط نزدیک با روسیه، ایران یکی از رقبای بالقوه روسیه برای تامین نفت و گاز اروپا محسوب می‌شود. کشورهای اروپایی امیدوار هستند که در بلندمدت گاز ایران عاملی برای کاهش وابستگی کشورهای اروپا به روسیه باشد. علی‌رغم وجود این واقعیات، نویسندگان کتاب نقش ایران در سیاست خارجی و امنیت انرژی روسیه و بازی انرژی موجود در آسیای میانه و قفقاز را نادیده گرفته‌اند.

1- Adrian Dellecker and Thomas Gomart, *Russian Energy Security and Foreign Policy* (New York: Routledge, 2011).

۲- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: قاسم ترابی، «محیط زیست از منظر واقع گرایی، لیبرالیسم و بوم گرایان افراطی با تأکید بر پروتکل کیوتو»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و چهارم، پاییز ۱۳۸۹.

۳- برای اطلاعات بیشتر در زمینه رقابت بین روسیه و آمریکا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و انرژی رجوع شود به: جهانگیر کرمی، «سیاست خارجی هجومی روسیه و موازنه استراتژیک اروپایی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹.

۴- رجوع شود به استراتژی انرژی اوباما، قابل دسترس در:

Barack Obama and Joe Biden, "New Energy for America", 2009, at:

www.barackobama.com/pdf/factsheet_energy_speech_080308.pdf

۵- از جمله مناطق نفت خیزی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مورد توجه کشورهای مصرف کننده نفت، به خصوص آمریکا قرار گرفته است، منطقه آسیای میانه و قفقاز می باشد. در این راستا، می توان به سیاست تشویق و تولید نفت در جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان که از زمان بوش طراحی شد و در زمان اوباما به شدت در حال پیگیری می باشد، اشاره نمود. بر اساس گزارش وزارت انرژی آمریکا، این منطقه بین ۱۷ تا ۳۳ میلیارد بشکه نفت را در خود جای داده است و حجم ذخایر احتمالی آن به ۲۳۳ میلیارد بشکه بالغ می گردد. در صورتی که این ارقام اثبات گردند، می توان گفت از نظر منابع انرژی آسیای میانه و دریای خزر در مقام دوم پس از خلیج فارس قرار دارند. با این وجود کارشناسی های انجام شده نشان داده است که آمار ارائه شده دور از واقعیت هستند و ذخایر احتمالی این منطقه بسیار پایین تر از آن چیزی می باشد که در ابتدا تصور می شد. بر اساس آمار رسمی شرکت معتبر «بریتیش پترولیوم» میزان نفت کشورهای این منطقه ۱۲۲.۴ میلیارد بشکه است که چیزی پایین تر از نفت ایران و در حدود نفت عراق است. با این وجود آمریکا به دلیل در اولویت قرار دادن سیاست

متنوع‌سازی به دنبال نفت این منطقه است. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

Energy Information Administration, "Caspian Sea Region: U.S. Department of Energy", *Energy Information Administration*, July 2001, and: BP. Statistical Review of World Energy, 2011, at: <http://www.bp.com>

۶- ایران یکی از بزرگترین کشورها در حوزه انرژی محسوب می‌شود. این کشور از نظر ذخایر گاز و نفت به ترتیب در رتبه دوم (پس از روسیه) و سوم (پس از عربستان و ونزوئلا) قرار دارد. بر اساس آمار سال ۲۰۱۱ ایران دارای ۱۳۷ میلیارد بشکه نفت است که از این حیث پس از عربستان در جایگاه دوم خاورمیانه قرار گرفته است.